

سید سعید احمد پور مقدم

آبی

سطرهایی که از کبوتر
روی این سطح می افتند
سایه‌ی ابر را
مرتفع خواهند کرد

گوش کن

در یادآوری خیابان
چاله‌ای هست
که سگ‌های زیادی در آن دست داشته‌اند

سیاه

ابرها را از روی میز کنار بزن
در این هوای سرد
یک فنجان نفت
ما را
عمیق خواهد کرد

...

راستی

چه قدر چشم‌های تو از دور
آبی‌ست!

سگ

جنازه‌ی مرتفع کبوتر
از پوست این سطرها
فواره می‌زند
وقتی سگی
در گذشته‌ی سطح
استخوان‌های پدرش را کشف کند . . .